

اسدالله افشار، نویسنده و پژوهشگر علوم تربیتی و خانواده در گفت‌وگو با «جوان»:

چالش‌های شغلی زنان تمایل به فرزندآوری را کاهش داده‌است



به اعتقاد اسدالله افشار، نویسنده و پژوهشگر علوم تربیتی و خانواده، به رغم تمامی دلایل و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر در کاهش فرزندآوری، سهم بالای عوامل مادی و اقتصادی را نباید نادیده گرفت. وی معتقد است: آنچه جوانان را به فرزندآوری بی‌میل می‌کند، عمدتاً وضعیت اقتصادی است و برای این موضوع باید تصمیمات کلانی گرفته شود. وی همچنین چالش‌های شغلی زنان را از جمله عوامل کاهش تمایل زنان به فرزندآوری می‌داند.

اسدالله افشار در گفت‌وگو با «جوان» درباره اهمیت خانواده و فرزندآوری گفت: خانواده یکی از نهادهای مهم اجتماعی و فرزندآوری نیز یکی از کارکردهای مهم خانواده است. وی با بیان اینکه فرزندآوری در عین حال یک مؤلفه مهم جمعیتی محسوب می‌شود، افزود: سیاست‌های جمعیتی از جمله موضوعاتی است که ایجاد اجتماعی را در گیر خود می‌کند اما نگرش فرزندآوری تنها ناشی از مسائل اجتماعی نیست و مسائل اقتصادی نیز یکی از

عوامل مهم در این زمینه است.

وی با اشاره به اینکه عوامل فرهنگی و اجتماعی در سیاست‌های جمعیتی و تمایل به فرزندآوری مؤثر است، یادآور شد: در حال حاضر زنان شاغل با چالش‌های درون‌شغلی و برون‌شغلی برای فرزنددار شدن مواجه هستند که کنش‌های موجود در این زمینه آنها را به سمت کم‌فرزندی هدایت می‌کند. وی افزود: سبک زندگی افراد تحت تأثیر تحولات اقتصادی است و نمی‌توان آن را منکر شد، هر چند در کنار تحولات اقتصادی موضوعات اجتماعی و فرهنگی هم وجود دارد.

افشار ادامه داد: امروزه با توجه به مدرنیته شدن جوامع بشری که با سرعت هم‌جلو می‌رود، سبک زندگی تغییر کرده و از حالت سنتی در همه جوامع دنیا خارج شده است. برخی‌ها سبست را ترکیب کردند اما عده‌ای در شتاب مدرنیزه دچار ا‌زم‌پاشیدگی شدند که تغییر نگرش به فرزندآوری نیز از جمله نتایج این وضعیت است.

وی برخی مؤلفه‌های اثرگذار بر رویکرد فرزندآوری را

برشمرد و گفت: برخی از این مؤلفه‌ها می‌تواند شامل پایگاه اقتصادی مثل درآمد، مسکن و شغل و برخی اجتماعی شود و حتی به مدیریت و فیزیک بدن و نگاه به گذران اوقات فراغت نیز برسد. در تمام جوامع بشری موضوع ازدواج و فرزندآوری به هم گره خورده است و این به سیاست حکومت‌ها در همه جای دنیا برمی‌گردد که باعث شده است کاهش فرزندآوری هم به داستان کاهش ازدواج بپیوندد.

این کارشناس علوم تربیتی و خانواده در توضیح صحبت‌های خود ادامه داد: وقتی مردم نسبت به ازدواج سست شوند، بحث فرزندآوری هم به تأخیر می‌افتد. باید این بحران به صورت جدی بررسی شود و راه‌حلی برای آن یافت چراکه بعداً نمی‌توانیم برای آیندگان پاسخی داشته باشیم.

وی با ارائه آمار و ارقامی در بحث سیاست‌های جمعیتی گفت: سال‌های ۶۷ تا ۹۰ پیرای شعار فرزند کمتر- زندگی بهتر اقدامات فرهنگی، آموزشی، رسانه‌ای، بهداشتی و اقتصادی گسترده‌ای ب‌با بهره‌گیری از ظرفیت‌های همه مراکز و سازمان دولتی و نهادهای



وقتی مردم نسبت به ازدواج سست شوند، بحث فرزندآوری هم به تأخیر می‌افتد. باید این بحران به صورت جدی بررسی شود و راه‌حلی برای آن یافت چراکه بعداً نمی‌توانیم برای آیندگان پاسخی داشته باشیم

حسین گل‌محمدی

معلوم نیست این‌کلاس و پز تک‌فرزندی و دوفرزندی و بچه کمتر در جامعه ما از کجاریشه گرفته است و آنهایی که چنین نگاهی دارند، به چه چیزی می‌نازند و پز می‌دهند؟! این نگاه نه دلایل عقلی دارد و نه اساساً در تاریخ بشریت می‌توان چنین رویکردی را به عنوان یک نگرش پسندیده پیدا کرد. شما بروید تمام کتاب‌های تاریخی از زندگی جوامع مختلف را بخوانید. همه جابه‌فرزندآوری و خانواده پرجمعیت سفارش شده است. حالا از هر منظری به موضوع نگاه کنید، از منظر اقتصادی، فرهنگی، روان‌شناختی و اجتماعی بگیرید تا حوزه‌های تخصصی‌تر مثل نظام خویشاوندی، ساختار قدرت خانوادگی و کسب اعتبار کلا فرزند

بچه کمتر که فخر ندارد!

زیاد مایه برکت و تفاخر و اعتبار بوده است. همین الان هم در بسیاری از جوامع غربی تلاش بر این است که اولاً خانواده شکل بگیرد، ثانیاً فرزندان خانواده زیاد باشند. این‌موضوع را بنه ویژه در زندگی سلب‌ریتی‌های آنان می‌توانید ببینید. در واقع آنچه برای ما در سریال‌های ماهوار‌های شبکه‌های اجتماعی باز‌نمایی و ترویج می‌شود، با واقعیت و باور ذهنی و رفتاری خودشان زمین تا آسمان تفاوت دارد. از همه اینها که بگذریم، یادمان باشد که رسول گرامی اسلام فرمود: «بر تعداد فرزندان بیغیرایزد تا در روز قیامت به فرونی شما بر امت‌ها تفاخر کنیم.» همین یک کلام گوهریار برای همه ما کفایت می‌کند که بدانیم نگرش و تمایل تک‌فرزندی و بچه کمتر نه دلایل شرعی و منطقی و نه فخر دارد.



کشور تبدیل شد و به فکر اصلاح سیاست‌های جمعیتی افتادند که البته دیر شده بود.

وی با بیان این مطلب که بخشی از مسائل موجود در حوزه فرزندآوری به موضوعات فرهنگی خانواده‌ها برمی‌گردد، افزود: ما به یک تقویت‌بینش نیاز داریم. تبعات تک‌فرزندی باید تبیین شود تا ببینش‌ها در این زمینه تغییر یابد.

افشار گفت: نرخ باروری کل در ۳۰ سال‌گذشته تا ۷۰درصد کاهش داشته است و این رنگ‌خطر بزرگی بوده که تأخیر برای فرزندآوری به فرزند اول رسیده و سن ازدواج نیز بالا رفته است.

وی به گزارش مرکز آمار ایران در سال ۸۹ اشاره کرد و افزود: بر مبنای شاخص‌های سلامت یک‌سوم از زنان ایرانی از مجموع زنان ایرانی ازدواج نکرده‌اند یا بدون فرزند یا تک‌فرزند هستند.

به اعتقاد این کارشناس علوم تربیتی به رغم تمامی دلایل و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی موجود، آنچه جوانان را بی‌میل به فرزندآوری می‌کند، عمدتاً وضعیت اقتصادی است، پس باید تصمیمات کلانی گرفته شود.

بدهم و مدل بالاتر بخرم». از طرف دیگر هزینه‌های خرج بچه به حدی هم زیاد نیست که فرد برای خرید خانه محدود شود، یعنی بحث توقع و انتظارات است که باید به صورت ذهنی با آن مبارزه کرد.

انتخاب تک‌فرزندی بر چه دلایلی استوار است؟

در بخش قابل توجهی از جامعه پرستیژ در تک‌فرزندی یا نهایت دوفرزندی بوده و این زجرآور است، حتی در سریال‌های تلویزیونی هم این موضوع ترویج می‌شود و خانواده‌ها یک یا دو بچه دارند. اگر دقت کنید یک نفر بگوید سه بچه دارم، همه چپ‌چپ به او نگاه می‌کنند. در واقع فضا به گونه‌ای شده که اگر تمایل به فرزندآوری داشته باشند، به عنوان افراد فاقد حیثیت و اعتبار اجتماعی تلقی می‌شوند و فضای فرهنگ غربی که عامل ایجاد این تصور بوده است، به صورت معکوس حرکت می‌کند. فضای فرهنگ غربی به گونه‌ای شده است که در فرهنگ و فضای رسانه‌ای سه فرزند و حتی بیشتر را امری مطلوب و زیبا جلوه می‌دهند.

در فعالیت‌های رسانه‌ای یک دهه اخیر و تلاش‌های غربی، در سریال‌ها و شبکه‌های اجتماعی و رفتار سلبریتی‌های این مسئله مشهود است. در واقع تا مدامی که تصویر موهوم از فرزندآوری را اصلاح و پرستیژ یک یا دوفرزندی را نفی نکنیم و کنار نگذاریم، نباید انتظار اتفاقی مثبتی از این ماجرا داشته باشیم. دلایل اقتصادی سهم خود را در این موضوع دارد، اما عامل اصلی نیست.

روزی خودش را با خودش می‌آورد.

چند نکته کوچک البته در صحبت‌های دوست قدیمی من نمایان بود. اولی بریز و بباش حداقلی بود و در این باره گفت: «اسراف در خانواده ما در حداقل‌ترین سطح است و مهم‌تر از آن توقعات بچه‌ها پایین است.»

به اعتقاد زهرا، سبک زندگی خانواده پرجمعیت باعث می‌شود سطح توقع پایین باشد و مدیریت در خرید و نیازهای خود داشته باشند. از زهرا پرسیدم دغدغه‌الانت چیه؟! دغدغه‌ای که چالب بود. زهرا گفت: «دوست دارم الگوی درستی برای بچه‌هایم باشم.»

به اعتقاد زهرا، اگر والدین درست رفتار کنند، بچه‌ها هم بر اساس فطرت راه درستی را انتخاب می‌کنند. از زهرا پرسیدم تربیت درست چهار بچه واقعاً ممکنه؟ زهرا بهم گفت: «همان تربیت و وقتی که برای یک بچه گذاشته می‌شود، برای بقیه هم ممکن است.»

از او پرسیدم بچه‌ها بهم دعوا نمی‌کنند؟! زهرا معتقد است دعواها و تنش‌های بین بچه‌ها هم نوعی ارتباط اجتماعی محسوب می‌شود که به رشد ذهنی آنها و توانایی مقابله با چالش‌ها کمک می‌کند. چیزی که از صحبت‌های زهرا دستم آمد این بود که خانواده شش نفره زهرا نماد یک اجتماع واقعی هستند. هم‌بازی بودن بچه‌ها، نیاز زهرا را برای گذاشتن بچه‌ها به مهدکودک کمتر نگ کرده است. روزمرگی و بی‌حوصلگی در جمع آنان ممنوع است و مفهومی به نام احساس تنهایی در این خانواده وجود ندارد. بازی با گوشی و تبلت در حداقل‌ترین سطح وجود دارد، به خصوص بعد از به دنیا آمدن فاطمه بانو (به تعبیر زهرا)، ششور و نشاط مضاعف شده و انگار سرگرمی جدیدی به بازی بچه‌ها اضافه شده است. خانه شبیه مهد کودک است و زهرا به راحتی فرصت پرداختن به کارهای منزل را دارد.



سیدمهدی ناظمی، پژوهشگر معتقد است: فضا به گونه‌ای شده است که اگر زوج جوانی تمایل به فرزند زیاد و خانواده پرجمعیت داشته باشند، به عنوان افراد فاقد شخصیت اجتماعی تلقی می‌شوند. این در حالی است که وام‌گیری فرهنگ غربی که عامل ایجاد این تصور و در واقع توهم بوده، مسیر را اشتباه می‌رود، زیرا غربی‌ها چندفرزندی را ترویج و تحسین می‌کنند. گفت‌وگوی کوتاه ما با این پژوهشگر را بخوانید.

تبعات تک‌فرزندی از نگاه شما چیست؟

آستانه تحمل سختی‌ها در فرزند کم می‌شود، بلوغ زودرس را به دنبال دارد و منجر به ضعف جامعه‌پذیری خواهد شد. همچنین باعث

روایت یک مادر ۳۵ساله

از زندگی با ۴ فرزند قد و نیم‌قد

هر بچه روزی خودش را می‌آورد

مدت‌ها بود دلم می‌خواست برم خونه زهرا. از بچه‌ها شنیده بودم که کوچولوی چهارمش هم به خانواده پنج نفره ششون اضافه شده و حالا شدن شیش تیا. زهرا دوست دوران راهنمایی و دبیرستانم است. تقریباً ۱۷سالگی است که جمع کوچکی از بچه‌های دبیرستان همچنان باهم‌را تباط داریم. حداقل در بین روزمرگی‌ها و گرفتاری‌های روزگار گاهی حال هم را می‌پرسیم و سالی یک بار دور هم جمع می‌شویم. مریضی مامان و مشغله‌های کاری حتی فرصت نداد به زهرا زنگ بزنم و دیگه تصمیم گرفتم بی‌خیال دیدار حضوری شوم و به تلفن اکتفا کنم. بعد از سرسالمندی و احوال‌رسی فهمیدم به قول معروف جنبی بچه‌ها جور شده: دو دختر و دو پسر.

از زهرا پرسیدم راستشو بگو سخت نیست؟! همین باعث شد که سر حرف باز شود و کلی باهم گپ بزنیم و از مزیت‌های داشتن خانواده پرجمعیت برایم صحبت کند. زهرا ۳۵ساله و همسرش ۳۷ساله است. زینب فرزند اول